

مشکل جمعیت مازاد بهره بردار در مراتعی که بصورت شورایی مدیریت می شود مانع اصلی در پروژه های اصلاح و احیای مراتع است. در مناطقی که توسعه صنعت اتفاق افتاده است، جمعیت مازاد جذب صنعت شده اند و مراتع بهبود یافته است.

مسائل مراتع روستایی متفاوت از مسائل مراتع عشایری است و باید به صورت جداگانه مسائل آن مورد بحث قرار گیرد. تا کنون حدود ۳۳ میلیون هکتار تهیه طرح، ۱۷ میلیون هکتار واگذار و ۶ میلیون هکتار اجرا شده. در اجرا فقط انفرادی های موفقیت نسبی داشته اند. به نظر می رسد برای حل مسائلی تلاش می کنیم که بخش های تعیین کننده در روند تحولات تحت اختیار و مدیریت نهاد متولی مرتع نیست.

دخالت و اثرات مخرب توسعه معادن به صورت گسترده صورت می گیرد و مدیریت مرتع عملاً نتوانسته در این روند تاثیر جدی داشته باشد توسعه معادن در یک برنامه هماهنگ با مدیریت مراتع اتفاق نمی افتد.

اگر روابط بین دام، مرتع و بهره بردار به خوبی باهم دیده نشود مسئله قابل حل نیست. علیرغم تلاشهای صورت گرفته رابطه بین مرتعداران و ادارات منابع طبیعی رابطه ای سازنده نیست. روستایی بدون توجه به ملاحظات قانونی مرتع را شخم می کند از مرتع هم بهره برداری میکند کاری هم با منابع طبیعی ندارد. در شرایطی که بیش از ۷۰ درصد مراتع روستایی است در برنامه ریزی نتوانسته ایم مسائل روستایی را حل کنیم.

در مورد عشایر نیز باید نخست روی درستی و نادرستی اسکان عشایر به توافق رسید و سپس برپایه آن بر روی مسائل بحث و تصمیم گیری کنیم. مسائل مراتع روستایی از عشایر اسکان یافته و عشایر کوچ رو متفاوت از یکدیگر باید دیده شود.

ماهیت تخریب های صورت گرفته در مراتع فقط محدود به تخریب ناشی از چرای دام نیست بلکه تغییر کاربری و توسعه معادن نیز مطرح است. هریک را باید جدا گانه مورد بحث قرار دهیم. در موضوع اسکان که تحت هدایت و مدیریت دولت صورت می گیرد، چگونه عمل کنیم که مشکلات مشابهی که در مراتع روستایی با آن مواجه هستیم تکرار نشود.

مرتع متاثر از اقتصاد دامدار است. قبلا که تمام درآمد دامدار به مرتع وابسته بود توجه بیشتری به مرتع می کرد. اکنون بخش قابل توجهی از مرتعداران فقط وابسته به مرتع نیستند بلکه در سایر فعالیتهای اقتصادی نیز کسب درآمد میکنند. بخشی که فقط چوپان هستند روز شماری برای دریافت حقوق آخر ماه میکنند کاری به خوب یا بد بودن مرتع ندارند. بنابراین کسی در فکر مرتع و بهتر شدن آن نیست. تعدادی از مرتعداران که اقتصادشان فقط به مرتع وابسته است، در جهت احیاء و بهبود مراتع اقدام میکنند. تخریب ناشی از مرتعداران که با نیم سودی از امتیاز پروانه خود برای دام دیگران استفاده میکنند و خود نیز تعدادی دام اضافه میکنند از دیگر مشکلات مرتعداری کشور است. نظام اجتماعی قبلی که از بین رفته است، نظام جایگزین کارآمدی نیز وجود ندارد. مسئله اگر فقط فنی بود مشکلی وجود نداشت، مسئله فنی نیست، به همین دلیل ما نمی توانیم، عملاً در بهبود مراتع کشور موفق شویم. در مورد گیاهان دارویی برای استفاده جهت کاهش فشار به مرتع، کشت در سیستم زراعی اقتصادی است و برداشت مستقیم از مرتع صحیح نیست. نخست باید مشخص کنیم برای چه کسانی برنامه ریزی می کنیم. استفاده چند منظوره از مرتع، استفاده از پتانسیل های دیگر مرتع باید به صورت یکجا در طرح های مدیریت مرتع لحاظ شود.

سهم تولیدات محصولات دامی شامل ۹/۹ درصد عشایر، ۷۵ درصد روستائیان مابقی سایر شامل دامداریهای صنعتی و ... است. تحت چنین شرایطی به همین نسبت توجه بیشتری باید حل مسائل نظام دامداری روستایی و عشایری صورت گیرد.

ارزیابی طرح اسکان عشایر نشان می دهد، که اسکان عشایر موجب تشدید تخریب مراتع و افت آب سفره های زیر زمینی شده است. عشایر کوچ رو ونیمه کوچ رو به دلیل تفاوت های کارکردی باید مسائل آنها جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. برنامه ساماندهی عشایر بیش از آنکه به تولید و بهبود اقتصاد عشایر

بپردازد، خدمات رسانی را الویت داده است قبل از انقلاب اسکان اجباری و توسعه شهری مورد توجه بوده است. بعد از انقلاب ساماندهی و ایجاد فرصت های شغلی، بستر سازی اسکان و جلوگیری از مهاجرت. آیین نامه اسکان عشایر را سازمان عشایر تدوین کرده و به تصویب رسانده و در آن وظایفی برای سایر دستگاههای تعریف کرده ولی این کار بدون هماهنگی با سایر دستگاهها صورت گرفته است.

چرای مفرط موجب تخریب مراتع در مناطق اسکان عشایر شده است. در مرتع دشت بکان به هر ۱۰ نفر ۹۰ هکتار زمین داده اند ولی عشایر زمین را به مردم اقلید فروخته اند و آنان زراعت می کنند. عشایر نیز نه تنها دام خود را کاهش نداده اند بلکه از فرصت زمینی که به آنها داده شده برای حل مشکل تامین علوفه استفاده نکرده اند در نتیجه تخریب مراتع را در پی داشته است. سرانه دام زیاد سرانه زمین کم و نتیجه آن تخریب بیشتر مراتع است. مسئله اسکان بیش از آنکه خواست مردم باشد اراده دولت است. در مناطق اسکان گرایش از دامداری به زراعت در حال تغییر است.

نبود تسهیل گر در سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری از کاستی های نظام اداری منابع طبیعی کشور است.

سوالاتی از قبیل اینکه چرا به فکر اسکان افتادیم؟ چه دلایلی برای مخالفت با اسکان وجود دارد؟ آیا راهکاری وجود دارد که ضمن اسکان عشایر، منابع طبیعی نیز حفظ شود؟ چه راه حلهایی برای عشایر اسکان یافته ای که از دولت امکانات آب و زمین گرفته اند، که ضمن فعالیت کشاورزی، مراتع آنها نیز تخریب نگردد؟ چه الگویی از دامداری متناسب با نظام اسکان است؟ الگوی کشت و الگوی دامداری در عشایر اسکان یافته چگونه باید باشد؟ بهتر است در جلسه ای جداگانه با حضور نماینده عشایر و دامداران موضوع مورد بحث قرار گیرد. دکتر ازکیا و مهندس اکبری و مهندس انصاری دو نفر از دامداران اسکان یافته و اسکان نیافته در جلسه دعوت شوند. جلسه آینده اقتصاد مرتعداری ایران مورد بحث قرار گیرد. در جلسه آینده با دعوت از مرتعداران، یک نفر از اساتید اقتصاد (آقای دکتر خوش چهره) و یک نفر از اساتید مسائل اجتماعی (آقای دکتر طالب) ابعاد اقتصادی و اجتماعی مسائل مربوط به مدیریت مراتع مورد بحث قرار گیرد